



تحلیلی بر اعلام دیر هنگام آغازگر جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعث عراق

## محکومیتی بدون پشتوانه حقوقی

در حالی بیش از چهار دهه از آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران می‌گذرد که خاویر پرز دکونیا، دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ با گزارش رسمی به شورای امنیت اعلام کرد که عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران حمله کرده و متجاوز است. بررسی ریشه‌های تجاوز مرزی عراق به ایران زمین به زمینه‌های بسیاری باز می‌گردد اما در این نوشتار مهم‌ترین پدیده زمینه ساز تجاوزگری صدام مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

پیشینه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پیشینه درگیری‌های دو کشور تا مرز جنگ گسترده پیش رفت اما پس از امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، چندسالی دوره آرامش مرزی برای مرتزقیان دو کشور ایران و عراق فراهم شد. هرچند این شرایط ناپایدار بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نگاه آشتی‌ناپذیری حکومت‌های وابسته را در مقابل انقلاب اسلامی آشکار کرد، به طوری که با نگرانی حاکمان عراق از نفوذ و گسترش پیام انقلاب در آن کشور، روابط سیاسی دو کشور همسایه با سردی فرایندهای روبرو شد

و حتی تلاش‌های نظام نوپای جمهوری اسلامی برای حل و فصل مسائل بر اساس مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نتوانست نتیجه‌ای به بار آورد.

پیروزی انقلاب اسلامی مردمان منطقه را به آینده روشن پیروزی بر ستمگران امیدوار کرده بود و چرخش استراتژیک ایران از دوستی با اسرائیل به تقابل با آن و همونایی و پشتیبانی از مردم فلسطین بر دامنه امیدها و همدلی‌ها می‌افزود. با تحولات داخلی ایران، تضاد مبانی پان عربیسم حزب بعث با اصول اعلام شده انقلاب اسلامی و احساس خطری که از انتشار این اصول برای حاکمان وابسته و مستبد کشورهای عربی وجود داشت، زمینه‌ای فراهم ساخت تا دولت بعثی عراق را به تقابل و دشمنی با انقلاب اسلامی مصمم نماید.

در وضعیت نابسامان دگرگونی نظام از استبداد شاهنشاهی به جمهوری اسلامی، عوامل بیگانه و گروهک‌های همگام آن‌ها، بحران‌های مختلفی را برای انحراف یا براندازی انقلاب سازماندهی می‌کردند که با درایت و رهبری امام خمینی و حضور گسترده مردم در صحنه، دشمن از دستیابی به اهداف خود باز ماند. در شرایطی که ایران درگیر مسائل داخلی خود بود و امکانی

برای پیش‌بینی تهدیدات خارجی وجود نداشت و در سطح بین‌المللی نیز بسیاری از کشورهای دوست تبدیل به دشمنی مخالف یا بی‌تفاوت شده بودند عراق نیز دگرگونی‌های سؤال برانگیز سیاسی را تجربه کرد. همزمان با سالگرد تأسیس حزب بعث در ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۸) در کودتایی درون‌حزبی و خزنده، احمد حسن البکر از ریاست جمهوری برکنار شد و صدام قدرت را در دست گرفت. در نگاهی تحلیلی بررسی مجموعه تحولات این دوره ایران و عراق بیانگر زمینه چینی و آماده‌سازی آن کشور برای تحمیل جنگ به ایران بود.

سرلشکر عراقی و فقیق السامرائی در کتاب ویرانی دروازه شرقی می‌نویسد: «رژیم حاکم بر عراق چنین احساسی می‌کرد که با سرنگونی رژیم دیکتاتوری در ایران، رژیم دیکتاتور ظلم‌تر و جنایتکارتر عراق نیز سرنگون خواهد شد یا مناطق جنوبی عراق تحت تأثیر شدید رویدادهای ایران قرار خواهد گرفت. بنابراین اگر تشنجات و بحران حاکم بر روابط عراق و رژیم انقلابی ایران به داخل ایران هدایت نشود، این بحران به داخل عراق سرایت خواهد کرد. رژیم عراق به این نتیجه رسیده بود که فرصت طلایی لازم برای رهایی از نفوذ ایران در عراق و



تحلیلی بر اعلام دیر هنگام آغازگر جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعث عراق

## محکومیتی بدون پشتوانه حقوقی

در حالی بیش از چهار دهه از آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران می‌گذرد که خاویر پرز دکونیا، دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ با گزارش رسمی به شورای امنیت اعلام کرد که عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران حمله کرده و متجاوز است. بررسی ریشه‌های تجاوز مرزی عراق به ایران زمین به زمینه‌های بسیاری باز می‌گردد اما در این نوشتار مهم‌ترین پدیده زمینه ساز تجاوزگری صدام مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

پیشینه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پیشینه درگیری‌های دو کشور تا مرز جنگ گسترده پیش رفت اما پس از امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، چندسالی دوره آرامش مرزی برای مرتزقیان دو کشور ایران و عراق فراهم شد. هرچند این شرایط ناپایدار بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نگاه آشتی‌ناپذیری حکومت‌های وابسته را در مقابل انقلاب اسلامی آشکار کرد، به طوری که با نگرانی حاکمان عراق از نفوذ و گسترش پیام انقلاب در آن کشور، روابط سیاسی دو کشور همسایه با سردی فرایندهای روبرو شد

زمینه‌های لازم برای ابطال معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و بازگرداندن حاکمیت و سلطه کامل بر اروندرود، بر مبنای معاهده ۱۹۷۳ و تعدیل خط مرزی و پشتیبانی از عرب‌های اهواز به‌منظور شروع یک انقلاب و آزاد شدن از تابعیت ایران و برانگیختن آتش فتنه‌های قومی در بلوچستان و کردستان و آذربایجان، به‌منظور سرنگونی رژیم جدید ایران و از هم پاشیدن دولت ایران فراهم شده است. این فرصت تاریخی برای صدام، قدم برداشتن در راهی بود که او را به رهبری کل منطقه سوق می‌داد.»

بنابراین از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و در وضعیت ناپایدار انقلابیگری در ایران، حکومت بعثی عراق کوشش روزافزونی برای گسترش بحران و نامنی رو به ایران به‌کار گرفت اما از سال ۱۳۵۹ روند رو به گسترش تحرکات و آماده‌سازی‌های سیاسی نظامی دشمن، نشان از توطئه‌ای برنامه‌ریزی شده برای نابودی انقلاب و تجزیه کشور داشت. در حالی که جمهوری نوپای ایران درگیر مشکلات داخلی و بین‌المللی خود بود، دولت عراق با فرصت طلبی تمام و همزمان در سطح داخلی و بین‌المللی به آماده‌سازی امنیتی، نظامی و توجیه سیاسی تجاوزگری می‌پرداخت.

پس از کودتای عراق و برکناری حسن البکر از ریاست جمهوری، دیکتاتوری عراق همزمان با سرکوب خشن مخالفین داخلی خود، به شکل فرایندهای گسترش و ساماندهی توان نظامی را در دستور کار قرار داد. از سوی دیگر این رژیم فعالیت دیپلماتیک گسترده‌ای را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آغاز کرد. شتاب ناگهانی و دامنه دار این روند در شهریورماه با آماده‌سازی نهایی و صف آراییی ارتش عراق برای هجومی ویرانگر به ایران بود. در حالی که در ایران متأثر از شرایط انقلابی، کمتر نشانی از کنشگری فعال دستگاه سیاست خارجی بروز می‌یافت این وزارتخانه تنها با برخی عکس العمل‌های ضعیف، گزارش برخی اقدامات جنگ افروزانه عراق را به سازمان ملل مورد توجه قرار می‌داد. به‌عنوان نمونه گزارش یورش عراق به مناطق خان لیلی و میمک و اشغال این مناطق از طرف ایران به سازمان ملل داده نشد و عراق با سوءاستفاده از این موضوع طی یادداشتی به سازمان ملل اعلام داشت: «ایران در ۴ شهریور ماه با گلوله باران پاسگاه مرزی عراق، جنگ را شروع کرده و در ۱۳ شهریور ماه با توپخانه‌های خود شهرهای خاتقین، مندلی و زرباتیه را بمباران نموده است.» به این ترتیب عراق، پیش از شروع جنگ خود را در مقام دفاع قرارداد و بهانه‌ای جدی برای شروع جنگ در دست گرفت.

برای پیش‌بینی تهدیدات خارجی وجود نداشت و در سطح بین‌المللی نیز بسیاری از کشورهای دوست تبدیل به دشمنی مخالف یا بی‌تفاوت شده بودند عراق نیز دگرگونی‌های سؤال برانگیز سیاسی را تجربه کرد. همزمان با سالگرد تأسیس حزب بعث در ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۸) در کودتایی درون‌حزبی و خزنده، احمد حسن البکر از ریاست جمهوری برکنار شد و صدام قدرت را در دست گرفت. در نگاهی تحلیلی بررسی مجموعه تحولات این دوره ایران و عراق بیانگر زمینه چینی و آماده‌سازی آن کشور برای تحمیل جنگ به ایران بود.

سرلشکر عراقی و فقیق السامرائی در کتاب ویرانی دروازه شرقی می‌نویسد: «رژیم حاکم بر عراق چنین احساسی می‌کرد که با سرنگونی رژیم دیکتاتوری در ایران، رژیم دیکتاتور ظلم‌تر و جنایتکارتر عراق نیز سرنگون خواهد شد یا مناطق جنوبی عراق تحت تأثیر شدید رویدادهای ایران قرار خواهد گرفت. بنابراین اگر تشنجات و بحران حاکم بر روابط عراق و رژیم انقلابی ایران به داخل ایران هدایت نشود، این بحران به داخل عراق سرایت خواهد کرد. رژیم عراق به این نتیجه رسیده بود که فرصت طلایی لازم برای رهایی از نفوذ ایران در عراق و

سختی‌های شیرین است و اگر بخواهیم اسارت خودمان را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم، به‌هیچ‌عنوان قابل مقایسه نیست، زیرا اسارت برای آنها هر لحظه رنج‌آور است، اما اسارت ما با همه سختی‌ها با لذت و شیرینی همراه بوده و باعث شده انسان در آن شرایط سخت دوام بیابد.

وی درباره زمان پیدایش ادبیات بازداشته‌گی گفت: با توجه به صحبت‌های مرتضی سرهنگی، مدیریت دفتر فرهنگ و ادب پایمادری حوزه هنری، می‌توان گفت پیدایش ادبیات بازداشته‌گی به اسارت امام موسی کاظم(ع) در زندان هارون الرشید و تاریخ اسلام مربوط می‌شود. به هر حال، برخی از ائمه ما در اسارت و بازداشت بودند و این ادبیات در آن زمان برای این عزیزان وجود داشته است.

گلزار راغب بیان می‌کند: اگر بخواهیم با ذهن نویسنده امروز به این خاطرات واقعه وارد شویم، مطمئناً لطمه خواهیم خورد؛ یعنی اگر ما صرفاً بخواهیم به دنبال یک رمان که برگرفته از ذهن یک نویسنده‌ای که درجنگ نبوده، باشیم، طبیعتاً نمی‌توانیم آن ابعاد جنگ را به‌درستی بازگو کنیم و مطمئناً برای کسانی که در جنگ و اسارت حضور داشته‌اند قابل قبول نخواهد بود. اما اگر ما بتوانیم بنابین این دورا انتخاب کنیم، با توجه به خاطراتی که از واقعه نقل می‌شود، برای نوشتن رمان و داستان به نتایج خوبی دست پیدا خواهیم کرد.

نویسنده «عصرهای کریسکان» بیان می‌کند: وقتی تحولی ایجاد می‌شود، طبیعتاً آثاری از خود به‌جا می‌گذارد و این آثار، چه تاریخی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... باید شناخته شود. هر نسلی از کشور دوست دارد گذشته خود را بشناسد، زیرا تاریخ چراغ راه آینده است و اگر نسل‌های آینده ما تاریخ کشور و دفاع مقدس را خوب بشناسند، قطعاً در مقابله با انحرافات و تهدیداتی که ممکن است آینده کشور را که سواک و عناصر مقاومت به مبارزان وارد می‌کرد

سختی‌های شیرین است و اگر بخواهیم اسارت خودمان را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم، به‌هیچ‌عنوان قابل مقایسه نیست، زیرا اسارت برای آنها هر لحظه رنج‌آور است، اما اسارت ما با همه سختی‌ها با لذت و شیرینی همراه بوده و باعث شده انسان در آن شرایط سخت دوام بیابد.

وی درباره زمان پیدایش ادبیات بازداشته‌گی گفت: با توجه به صحبت‌های مرتضی سرهنگی، مدیریت دفتر فرهنگ و ادب پایمادری حوزه هنری، می‌توان گفت پیدایش ادبیات بازداشته‌گی به اسارت امام موسی کاظم(ع) در زندان هارون الرشید و تاریخ اسلام مربوط می‌شود. به هر حال، برخی از ائمه ما در اسارت و بازداشت بودند و این ادبیات در آن زمان برای این عزیزان وجود داشته است.

گلزار راغب بیان می‌کند: اگر بخواهیم با ذهن نویسنده امروز به این خاطرات واقعه وارد شویم، مطمئناً لطمه خواهیم خورد؛ یعنی اگر ما صرفاً بخواهیم به دنبال یک رمان که برگرفته از ذهن یک نویسنده‌ای که درجنگ نبوده، باشیم، طبیعتاً نمی‌توانیم آن ابعاد جنگ را به‌درستی بازگو کنیم و مطمئناً برای کسانی که در جنگ و اسارت حضور داشته‌اند قابل قبول نخواهد بود. اما اگر ما بتوانیم بنابین این دورا انتخاب کنیم، با توجه به خاطراتی که از واقعه نقل می‌شود، برای نوشتن رمان و داستان به نتایج خوبی دست پیدا خواهیم کرد.

نویسنده «عصرهای کریسکان» بیان می‌کند: وقتی تحولی ایجاد می‌شود، طبیعتاً آثاری از خود به‌جا می‌گذارد و این آثار، چه تاریخی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... باید شناخته شود. هر نسلی از کشور دوست دارد گذشته خود را بشناسد، زیرا تاریخ چراغ راه آینده است و اگر نسل‌های آینده ما تاریخ کشور و دفاع مقدس را خوب بشناسند، قطعاً در مقابله با انحرافات و تهدیداتی که ممکن است آینده کشور را که سواک و عناصر مقاومت به مبارزان وارد می‌کرد

کوچ ابدی مادر شهید مفقودالثر «نعمت‌الله عسگری مورودی» در سالروز شهادت فرزند

### ملاقات در قیامت

حمید عسگری

برایت چه بنویسم که تو همه گفته‌ها و ناگفته‌ها را با چشمانی پر از اشک و انتظار به خاک بردی! اما پایان تو، ما را دل‌تنگ پنجره‌های می‌کند با در آمیختگی رایحه شمعدانی‌های قدیمی و دستانی که روز به امید آمدن کهنه سرباز وطن کاکل شان را نوازش می‌داد و بهت و تنهایی شان سخت می‌آزردمان! زمان اگر چه پر شتاب می‌گذشت، اما برای تو ثانیه‌ها در بی‌پی‌گمشده، همیشه بی‌قرار و بی‌تاب بود و ورق زدن روزها را دشوار می‌نمود و برای من نیز هیچ لحظه‌ای سخت‌تر از آن نبود که از یوسف بی‌نشان کرخه، خبر بجویی و واژه‌هایم بگریزند از این همه بی‌خبری و زبانی که شرحی نداشت بر عیش انتظار تو! تو که رفتی، این پنجره هم بسته شد و نفس‌های شمعدانی به‌شماره افتاد! آب و آفتاب هم رفتند! انگار هرچه بود از این خانه و این کوچه کوچ کرد و رفت! بقیه حکایت را باید این عکس‌ها روایت کنند که با تو نزدیک به نیم قرن زیسته‌اند! عکس‌هایی که مونس تنهایی‌ات در بلدای طاقت‌سوز فراق بودند و یا به پای گریه‌هایت آمدند تا امروز که تو تمام شدی و رفتی! گسستی از چهل و یک سال انتظار که آتی از حلقه چشمانت نرسد! این قاب‌ها تنها چهارچوبی هستند و بی‌روح نبودند که فقط عکس نازنین‌هایت را به آغوش کشیده باشند، بلکه مهتاب‌های ابدی عشق را در آسمان جاودانگی بی‌وقفه تاباندند تا شب‌های هجر برایت روشن بماند و نجوای شبانه و گریه‌های بی‌بهنات را بانان‌ها همیشه تاریخ شهادت می‌دهند! این نگاه‌های بی‌افول گواهی خواهند داد که تو شمعدانی‌های امید را هر صبح از آب و آینه و آفتاب سیراب کردی و پنجره‌های روبه‌افق را از مهر و ماه آکندی!



تو به خاک رفتی و همه چیز تمام شد! چشم انتظاری و دل‌وایسی‌های هر غروب! دلشوره نبودنت در خانه و ماندن یک مسافر بی‌نشان پشت درهای بسته! عصرهای پنجشنبه و آن قبر خالی در گلزار شهدای زادگاهم که به اندازه بی‌انتهایی غربتت از تو اشک می‌گرفت! خاصیت دنیا فانی جز این نیست؛ یک آغاز و یک پایان برای همه چیز مقدر و حتمی است. اما تو هر غروب با نیامدن یوسف گمشده‌ات پایان می‌یافتی و این چنین زیستت در برنخ آثارها و پایان‌های گنگ و بی‌شمار، سخت می‌سوزاندانم! از امروز همه چیز تمام شد! پنجره قدیمی خانه برای همیشه بسته شد و من مانده‌ام که به گلدان‌هایت چه بگویم که آب و آفتاب و امیدش را بیجا از دست داد! شمعدانی‌هایی که در سایه مهتاب‌های قاب شده و نوازش‌هایی آغشته به اشک و گلبرگ‌هایی که در سایه مهتاب‌های قاب شده و نوازش‌هایی آغشته به اشک و همیشه معطر بودند.... سفر به خیر ایستاده در غبار سخت انتظار!

یادت سبز...  
\* شهید نعمت‌الله عسگری با آغاز جنگ از سوی بسیج شهرستان کرخ به مقابله با تجاوز دشمن بعثی شافت و در روزهای سخت آغاز جنگ در ۲۵ آذر ۱۳۵۹ در حاشیه رود کرخه کوربا توپ مستقیم تانک هدف قرار گرفته و مفقودالاجسد گردید.



### خاطرات ناب آزاده سمنانی از دوران اسارت در «آسایشگاه ۱۴»

کتاب «آسایشگاه ۱۴» خاطرات علی‌اکبر امیر احمدی (آزاده) به قلم محمد مهدی عبدالله‌زاده است. این کتاب در دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری حوزه هنری استان سمنان توسط انتشارات سوره مهر در ۳۶۰ صفحه منتشر شده است.

کتاب «آسایشگاه ۱۴» خاطرات آزاد مردی است که وقتی به اسارت نیروهای دشمن در آمد فقط ۲۰ سال داشت. این کتاب با معرفی خانواده و دوران کودکی و تحصیلات آزاده شروع می‌شود و با آشنایی او با سیاست و ورود به جبهه ادامه پیدا می‌کند. نحوه و دوران اسارت را می‌گوید و در کنار روایت‌هایی از شکنجه‌های روحی و جسمی، به‌ویژه از آموزش ورزش‌های رزمی و زبان آلمانی صحبت می‌کند. ۹۰ ماه اسارت دورانی بود که علی‌اکبر امیر احمدی از آن بهره‌های فراوانی برد، حفظ کل قرآن مجید و همنشینی با حجت‌الاسلام علی اکبر ابوترابی، مدیریت آسایشگاه‌های اسرا، تمرین صوری

هم مرز حفظ می‌شود هم لطمه‌ای به مستندات، مباحث تاریخی و اصالت کار وارد نمی‌شود. وی خاطرنشان می‌کند: قطعاً هرگونه سند کتبی، مادی و شفاهی مربوط به دوران اسارت مستند است و به جمع‌آوری شود. متأسفم از اینکه

۶۰ میلیون نام‌هایی را که در دوران اسارت بین اسرا و خانواده‌هایشان رد و بدل می‌شده تا به حال نتوانسته‌ایم به طور کامل منتشر کنیم. یاحسینی در پایان با اشاره به متولیان جمع‌آوری و ثبت خاطرات اسرا یادآور می‌شود: خوشبختانه آثار و خاطرات جنگ، متولیان متعددی

از جمله بنیاد شهید، انتشارات وابسته به سپاه پاسداران و حوزه هنری دارد و این سازمان‌ها به‌شدت از آن حمایت می‌کنند و به خاطرات اسرا و خاطرات اردوگاهی توجه خاص دارند که از این بابت هیچ جای نگرانی در این زمینه نخواهیم داشت.

سختی‌های شیرین است و اگر بخواهیم اسارت خودمان را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم، به‌هیچ‌عنوان قابل مقایسه نیست، زیرا اسارت برای آنها هر لحظه رنج‌آور است، اما اسارت ما با همه سختی‌ها با لذت و شیرینی همراه بوده و باعث شده انسان در آن شرایط سخت دوام بیابد.

وی درباره زمان پیدایش ادبیات بازداشته‌گی گفت: با توجه به صحبت‌های مرتضی سرهنگی، مدیریت دفتر فرهنگ و ادب پایمادری حوزه هنری، می‌توان گفت پیدایش ادبیات بازداشته‌گی به اسارت امام موسی کاظم(ع) در زندان هارون الرشید و تاریخ اسلام مربوط می‌شود. به هر حال، برخی از ائمه ما در اسارت و بازداشت بودند و این ادبیات در آن زمان برای این عزیزان وجود داشته است.

گلزار راغب بیان می‌کند: اگر بخواهیم با ذهن نویسنده امروز به این خاطرات واقعه وارد شویم، مطمئناً لطمه خواهیم خورد؛ یعنی اگر ما صرفاً بخواهیم به دنبال یک رمان که برگرفته از ذهن یک نویسنده‌ای که درجنگ نبوده، باشیم، طبیعتاً نمی‌توانیم آن ابعاد جنگ را به‌درستی بازگو کنیم و مطمئناً برای کسانی که در جنگ و اسارت حضور داشته‌اند قابل قبول نخواهد بود. اما اگر ما بتوانیم بنابین این دورا انتخاب کنیم، با توجه به خاطراتی که از واقعه نقل می‌شود، برای نوشتن رمان و داستان به نتایج خوبی دست پیدا خواهیم کرد.

نویسنده «عصرهای کریسکان» بیان می‌کند: وقتی تحولی ایجاد می‌شود، طبیعتاً آثاری از خود به‌جا می‌گذارد و این آثار، چه تاریخی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... باید شناخته شود. هر نسلی از کشور دوست دارد گذشته خود را بشناسد، زیرا تاریخ چراغ راه آینده است و اگر نسل‌های آینده ما تاریخ کشور و دفاع مقدس را خوب بشناسند، قطعاً در مقابله با انحرافات و تهدیداتی که ممکن است آینده کشور را که سواک و عناصر مقاومت به مبارزان وارد می‌کرد